



اینترنت و انحصارگرایی گسترش جمل به جای دانش

■ دنیل آوریخ / برت کلارک *

تنها دو گزینه جدی پیش رو دارند. متعاقباً ایالات متحده، در مقایسه با کشورهای ثروتمند دیگر، یکی از گران‌قیمت‌ترین سیستم‌های پهنای باند بالا را در جهان دارد. (ص ۱۱۴)

انحصارها، در مسیر تکامل اینترنت، ۲ تأثیر عمده دیگر نیز دارد: امتیاز انحصاری ثبت اختراعات و تکثیر تبلیغات در سطح گسترده. هر دوی این موارد از الزامات انباشت سرمایه در حوزه‌ای است که در آن به‌صورت بالقوه اطلاعات آزادانه در دسترس هستند، در حوزه ارتباطات اینترنتی، همچون دیگر صنایع، مالکیت ثبت اختراعات به سرعت در حال بدل شدن به ابزاری اساسی برای حفاظت از قدرت انحصاری است. مک‌جسنی در جمله‌ای که شباهت زیادی به

استدلال پل باران و پل سوئیزی در کتاب سرمایه انحصاری^(۱) دارد، می‌گوید: «مالکیت ثبت اختراع پیشرفت را کند می‌کند اما، به‌رغم هزینه‌های قضایی آن، برای حفاظت از قدرت انحصاری تثبیت‌شده فوق‌العاده است.» (ص ۱۳۴) کمیانی‌های بزرگ همچون گوگل، اپل، مایکروسافت و آمازون، از قتل خرید مالکیت ثبت اختراع و ایجاد موانع بر سر راه ورود سایر رقبا ده‌ها میلیارد دلار به دست آورده‌اند. (ص ۱۳۷) سال ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ گوگل ۱۲/۵ میلیارد دلار را صرف خرید کمیانی موتورولا موبیلیتی کرد، نه به‌خاطر تکنولوژی‌ای که در اختیار این کمیانی بود، بلکه عمدتاً برای در اختیار گرفتن مالکیت ۱۷ هزار مورد اختراعات ثبت‌شده آن کمیانی. (ص ۱۳۴) این کنترل بر مالکیت به کمیانی‌ها اجازه می‌دهد هم صرف‌کنندگان را مجبور کنند صرفاً محصولات آنها را استفاده کنند و هم قدرت را در زمینه کنترل سیر پیشرفت‌های آینده، از حوزه منافع مشترک سیر معنوی، به حوزه ثروت شخصی انتقال دهند. اما مانعی بر سر راه این فرآیند وجود دارد، زیرا سرمایه‌داری به انباشت و رشد مداوم و نیز دسترسی آزادانه به خدماتی همچون اکثر وبسایت‌ها نیاز دارد. متعاقباً تبلیغات که ممکن است کمیانی‌های آمریکایی هزینه‌های مرتبط با آن را در فرم‌های مالیاتی خود به‌عنوان هزینه‌های کسب‌وکار وارد کنند، به ابزاری ضروری برای پولی و تجاری‌سازی اینترنت بدل شده است. کاربرها برای دسترسی به خدمات آنلاین، وارد معامله‌ای معمولاً ناگفته می‌شوند که بر اساس آن باید اطلاعات شخصی خود را در اختیار بگذارند. همان‌گونه که بروس شیندر در این باره می‌گوید «اگر چیزی رایگان است، پس مصرف‌کننده آن نیستید، بلکه خود محصول هستید.»^(۲) وبسایت‌ها نقش منابع اطلاعات و سرگرمی را ایفا می‌کنند اما همچنین وسیله‌ای برای جمع‌آوری گسترده داده‌ها نیز هستند. بنا بر اشاره مک‌جسنی، تمام عادات ما از طریق وسایل الکترونیک گوناگون ثبت می‌شود تا از رهگذر این اطلاعات، تبلیغات هدفمندتری تولید شود. (ص ۱۵۷) یکی از پیامدهای بویزه مخرب این فرآیند، محدودسازی شدید طیف اطلاعات و ایده‌هایی است که در دسترس کاربران اینترنت قرار می‌گیرد. داده‌هایی که از هر فرد جمع‌آوری می‌شود برای ساخت فیلترهایی استفاده می‌شود که در عین «شخصی‌سازی» همه‌چیز – از شاعرانه‌ای تبلیغاتی گرفته تا ویدئوها و اخبار که بخشی از فرآیند

بیش تجاری‌سازی اینترنت به‌سود انباشت سرمایه است. قرار گرفتن افراد در معرض اطلاعات گوناگونی را که بالقوه در فضای اینترنت وجود دارد، محدود می‌کند. (ص ۱۵۷ و ۱۵۸) هم‌زمان با تبدیل شدن اینترنت به رسانه غالب روزنامه‌نگاری، سرمایه‌داری انحصاری به صورت کلی و تبلیغات به‌صورت مشخص‌تر، تأثیرات مهمی بر روزنامه‌نگاری می‌گذارد. مک‌جسنی با استدلالی محکم می‌گوید روزنامه‌نگاری مستقل و مستحکم نوعی کالای عمومی ضروری برای «جامعه‌ای دموکراتیک است که در آن آزادی‌های فردی مهم است.» (ص ۱۷۴ و ۱۷۵) در این هنگام است که تناقض پتانسیل اینترنت به‌عنوان منبع عمومی دانش از سویی و توسعه آن به‌عنوان حامی برای انباشت سرمایه از سوی دیگر برجسته می‌شود. روزنامه‌نگاری، در عصر اینترنت، توانایی آن را دارد که موانع را از میان بردارد و امکان شنیده‌شدن و همکاری صداهای متنوع‌تر و انتقادی‌تر را فراهم آورد. علاوه بر این هم‌زمان با کاهش هزینه‌های توزیع دیجیتال، هزینه‌های راه‌اندازی وبسایت‌های خبری نیز کاهش پیدا می‌کند. با این حال، انگیزه سودطلبانه سرمایه‌داری – هم‌زمان با اهمیت‌یافتن تلاش‌ها برای پولی‌سازی روزنامه‌نگاری و اولویت‌یافتن درآمدهای تبلیغاتی و دیده‌شدن در رسانه‌های اجتماعی بر گزارش‌نویسی و نویسندگی چالش – مستعد تضعیف این شرایط است. مطابق نظر مک‌جسنی، زوال روزنامه‌نگاری به پیش از اینترنت بازمی‌گردد و می‌توان رد آن را عمدتاً تا انحصاری‌سازی‌های

گسترده‌تر رسانه‌ها بویزه روزنامه‌ها پی گرفت. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هنگامی که شرکت‌های رسانه‌ای ادغام و تحکیم شدند، دریافتند کاهش بودجه‌های هیات‌تحریریه که از طریق حذف روزنامه‌نگاران و انحلال دفاتر خبری انجام می‌گرفت، راهکاری مؤثر برای افزایش درآمد است. روزنامه‌نگاری از پیشه‌ای که خود را وقف آگاهی‌رسانی به شهروندان می‌کرد به ابزاری دیگر بدل شد برای راضی نگه‌داشتن سرمایه‌گذاران شرکت‌های بزرگ. با راهیابی روزنامه‌نگاری به اینترنت، این مساله وخیم‌تر شده و شکل متمایزی به خود گرفته است. روزنامه‌نگاری موفق، در عصر انحصار و اینترنت، تقلیل یافته است به «تولید آرازان و کم‌هزینه‌میزان چشمگیری از محتوا.» (ص ۱۸۸) منابع خبری آنلاین، برای تصمیم‌گیری درباره اینکه چه محتوایی را نمایش و رواج دهند، مجبور شده‌اند اطلاعات بسیاری درباره خوانندگان خود جمع‌آوری کنند. بر مبنای چنین اطلاعاتی، نویسندگان آزاد مقاله‌های خود را متناسب با این اصطلاحات «ملمه‌پسند» جست‌وجو شده در اینترنت، عجلانه جمع‌وجور می‌کنند. سپس شرکت‌های رسانه‌ای که با دانش عمیق درباره خوانندگان خود درون آنها به فروش می‌گذارند.

در دوران «برنامه‌های اسپانسر» و «خبرهای تبلیغی» حداقل بین اخبار و تبلیغات به‌شکل روزافزونی محو شده است. به‌علاوه از روزنامه‌نگاران انتظار می‌رود در عین داشتن درآمدهای کمتر، بیشتر بنویسند، چرا که محتوای بیشتر معادل افزایش ترافیک خوانندگان است که این امر نیز باعث افزایش درآمدهای تبلیغاتی شدت یافته و گونه‌ای از روزنامه‌نگاری را به وجود آورده که در مواجهه با طمع شرکت‌های بزرگ و ناتوانی دولت‌ها نسبتاً ضعیف است و به تحکیم وضع موجود کمک می‌کند. کنترل انحصاری بر توسعه اینترنت پیامدهایی جدی برای آینده مودراسی در سراسر جهان به همراه دارد. آنچه می‌توانست ابزاری برای اتحاد مردم و محملی برای دیدگاه‌های بدیل برای روزنامه‌نگاری متعدد و انتقادی باشد به زمینه‌ای بدل شده است برای تجاری‌سازی بیشتر، یعنی ابزاری برای تسهیل انباشت سرمایه. سرمایه انحصاری و گرایشی که به خصوصی‌سازی کالاهای عمومی دارد باعث محدودیت نوآوری شده تا با سودطلبی متناسب باشد. چنین محدودیت‌هایی تنها به تشدید نابرابری‌های موجود و ایجاد شکاف‌های گسترده‌ترین طبقات و گروه‌های اجتماعی می‌انجامد. در همین حال، دسته‌ای بزرگ‌تر از شرکت‌های انحصاری بزرگ تبدیل به دروازه‌بانان اطلاعات شده‌اند. تجربیات آنلاین به‌شکل روزافزونی صرفاً به وبسایت‌هایی اندک محدود می‌شود: سال ۲۰۱۲ در آمریکا ۷۵ درصد بازدیدها از صفحات اینترنتی مربوط به ۱۰ سایت پربیننده بوده است. (ص ۱۹۰) در نهایت، در سطره مدل سودمحور و مبتنی بر تبلیغات مربوط به اخبار آنلاین، مشکلات روزنامه‌نگاری افزون‌تر شده است. اشاره به این مساله مهم است که مک‌جسنی ادعا نمی‌کند این خود فناوری است که سکندار چنین فرآیند غیردموکراتیکی است، بلکه این فرآیند غیردموکراتیک به گرایش‌های عمومی مربوط به سرمایه انحصاری مالی بازمی‌گردد که از نظر تاریخی اشکال مشخصی به خود می‌گیرد و در قالب فناوری بروز می‌کنند. مک‌جسنی تنش دیالکتیکی بین ۲ موضوع را نشان می‌دهد: مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری انحصاری و فناوری‌ای که از رهگذر آن توسعه می‌یابد. این به ما کمک می‌کند اینترنت را در واقعیت مادی و اقتصادی خودش ببینیم، واقعیتی که نه‌خوش‌بینی آرمان‌شهری بر آن سایه افکنده است و نه بدبینی لجبازانه. به‌علاوه با بهره‌گیری از این تحلیل دیالکتیکی، ارزیابی مک‌جسنی از تله جبرابوری

فناورانه یا اقتصادی می‌گیرد و به او و همین‌طور ما اجازه می‌دهد پتانسیل آزادی‌بخش اینترنت را از یاد نبریم. او اصرار می‌کند «ببرد بر سر اینترنت، برای تمام کسانی که در تلاش برای ساختن جامعه‌ای بهتر هستند، از اهمیت محوری برخوردار است.» (ص ۲۳۲)

ما در نقطه حساسی قرار داریم که در آن: می‌توان فناوری‌های جدید ارتباطی برای به‌چالش کشیدن نظام‌های تثبیت‌شده استفاده کرد، محتوای مبتنی بر تبلیغات به‌شکل روزافزون مورد پرسش قرار گرفته‌اند، جنبش‌های اجتماعی برای تغییرات رادیکال می‌جنگند و بحران‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گسترده‌گی پیدا کرده‌اند. برای آنکه انقلاب دیجیتال چیزی بیش از شعاری دهن‌پرکن باشد، انقلاب اجتماعی باید با فتح سرمایه‌داری، پتانسیل‌های مودراسی را رها کند.

پی‌نوشت

* دنیل آوریخ (Daniel Auerbach) دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه یوتا است و برت کلارک (Brett Clark) دانشیار جامعه‌شناسی در همان دانشگاه است.

1- See Yochai Benker, The Penguin and the Leviathan (New York: Crown, 2011); Clay Shirky, Cognitive Surplus (New York: Penguin, 2010).
2- See Shaheed Nick Mohammed, The (Dis)information Age (New York: Peter Lang, 2012); Clifford Stoll, High-Tech Heretic (New York: Anchor, 1999); Sherry Turkle, Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other (New York: Basic, 2011)

3- Digital Disconnect: How Capitalism Is Turning the Internet against Democracy

4- See John Bellamy Foster and Robert W. McChesney, "The Internet's Unholy Marriage to Capitalism," Monthly Review 62, no. 10 (March 2010): 1-30

۵- ARPANet: مخفف سازمان پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته شبکه (Advanced R search Projects Agency Network) که نخستین شبکه سوئیچینگ بسته‌های اطلاعات در دنیا بود و پس از مدتی تبدیل به اینترنت جهانی شد. بودجه مالی این شبکه در ابتدا توسط سازمان پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی (آرپا) و بعدها (دارپا) در وزارت دفاع ایالات متحده تأمین شد تا از این پروژه در دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی این کشور استفاده شود. سوئیچینگ بسته‌های اطلاعات در آرپانت بر اساس طرحی از دانشمند بریتانیایی، دونالد دیویس و لارنس رابرت از آزمایشگاه لینکلن بود. (ویکی‌پدیا)

6- AT&T NSFNet: شبکه بنیاد ملی علوم. برنامه‌ای که بنیاد ملی علوم (NSF) در ۱۹۸۵ برای رواج و ارتقای تحقیقات پیشرفته و آموزش شبکه‌ای در ایالات متحده پایه‌ریزی کرد. (ویکی‌پدیا)

8- Broadband Commission for Digital Development, Broadband 2015: Broadband as a Foundation for Sustainable Development (Geneva, Switzerland: UNESCO, September 2015), 26, http://broadbandcommission.org
9- Monopoly Capital
10- Bruce Schneier, Data and Goliath: The Hidden Battles to Collect Your Data and Control Your World (New York: Norton, 2015), 53

منبع: Monthly Review, ترجمه: علیرضا خرابی، ترجمان



یادآوری ۳۹

متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

دروغ بزرگ

مردی که علیه آمریکا و اسرائیل جهاد به راه انداخت، مردی که FBI برای سرش ۵ میلیون دلار جایزه گذاشت، مردی که اردوگاه‌های



آموزشی‌اش در افغانستان مورد حمله موشک‌های کروز واقع شدند، در بیمارستان آمریکایی دوی مورد معالجه واقع شد، با رئیس دفتر محلی سیا گپ زد و سپس تحت حمایت ارتش پاکستان در راولپندی تحت معالجه واقع شد. این شوخی دوستان نزدیک و جنگجویان القاعده را دچار سردرگمی کرد. برای مثال بنا به گفته آمریکاییان، آزمایشگاه ال شیفا در سودان توسط بن‌لادن مشغول تولید سلاح‌های شیمیایی کشتار جمعی بود. به همین دلیل، آن مرکز توسط نیروی هوایی ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ بمباران شد. با وجود این، ناظران بین‌المللی که برای بازرسی خرابه‌ها آمدند، دریافتند که آن آزمایشگاه چیزی غیر از اسپیرین تولید نمی‌کرد. کارخانه به‌طور مشترک به اسامه بن لادن و صلاح ادیس تعلق داشت. سیا ادیس را متهم به توطئه برای ساخت سلاح‌های شیمیایی و کمک مالی به جهاد اسلامی در مصر کرد. دارایی‌های مالی‌اش بلوکه شده، اما در مه ۱۹۹۹ مخفیانه دارایی‌هایش آزاد شد. ادیس امروزه ۷۵درصدی‌ای اس دیجیتال سیستمز (IES Digital Systems)، ۲۰ درصد پروتک (Protec) را توسط یک شرکت واسطه خارجی به‌نام گلوبال سکوریته سیستمز (Global Security Systems) کنترل می‌کند. اکنون، آی‌اس دیجیتال سیستمز، مسئول مراقبت ویدئویی از تعدادی شرکت دولتی و نظامی بریتانیاست، همان‌گونه که

بارون کوکس به اطلاع مجلس عوام رسانید، در حالی که پروتک (Protec) مسئول مراقبت و امنیت ۱۱ نیروگاه اتمی انگلیس است. درباره محمد عطا که FBI او را متهم به عضو بودن در القاعده می‌کند و ادعا می‌کند که کماندوهای کامیکاز (انتحاری) را در ۱۱ سپتامبر هدایت و رهبری کرد و حساب بانکی‌اش برای تأمین بودجه عملیات مورد استفاده قرار گرفت، او نماینده سرویس جاسوسی داخلی پاکستان (ISI) بود که به عنوان شاخه‌ای از سیا شناخته می‌شود. در جولای ۲۰۰۱ ژنرال احمد محمد، مدیر‌اس‌آی (ISI)، یکصد هزار دلار به حساب بانکی محمد عطا در ایالات متحده حواله کرد، (تایمزآنلیندا گزارش داد). این خبر هیچ عکس‌العملی در ایالات متحده به‌وجود نیامورد. در نهایت از ژنرال محمود خواسته شد بعد از معرفی جانشینش بازنشسته شود. احترامات صورت گرفته توسط ایالات متحده آمریکا علیه بن‌لادن متعاقباً کنشده نبود. ۷۵ موشک کروز شلیک شده روی کمپ‌های آموزشی القاعده و کارخانه ال شیفا منجر به کشته شدن فقط ۲۱ مبارز اسلامی شد که متناسب به نظر نمی‌رسد. پروفیسور میشل چوسوروفسکی استاد دانشگاه‌ها و تاوادر این ارتباط می‌نویسد: «دوره جنگ سرد، واشنگتن عمداً اسامه بن‌لادن حمایت کرد. در حالی که هم‌زمان نام او را در این فهرست افراد تحت تعقیب FBI نیز جگ‌نمانده است. در حالی که مجاهدین درگیر قیام‌های مسلحانه در بالکان و جمهوری‌های شوروی سابق به نفع آمریکا هستند، FBI ماموریت دارد که او را به ایالات متحده آورده و جنگ علیه تروریسم را به اجرا در آورد. تمام شواهد گویای آن است که این موضوع نه تنها حکایت از اقدامات متناقض دارد بلکه حاوی سیاست دروغگوئی به شهروندان نیز هست. زیرا از زمان جنگ اتحاد شوروی سابق با افغانستان، CIA از طریق عملیات مخفی خود همواره از تروریسم بین‌المللی حمایت کرده است. از سویی بن‌لادن نه تنها یک دشمن نیست، بلکه عامل ایالات متحده است و از سوی دیگر او هرگز ارتباط خویش را با خانواده‌اش با یک شریک تجاری اصلی خانواده بوش به‌شمار می‌روند، قطع نکرد. ما پیش‌تر نشان دادیم که سرمایه‌های مالی گروه سعودی بن‌لادن توسط گروه کارلیل اداره می‌شود. گروه کارلیل که در سال ۱۹۸۷ به وجود آمد، امروز بر دارایی‌هایی به ارزش ۱۲ میلیارد دلار نظارت دارد. این گروه بخش اعظم سهام شرکت سنون آپ (که برای شرکت کادوبری شوئیس نوشابه تولید می‌کند)، شرکت اطلاعات فدرال که برای مثال سازمان فدرال هوآوردی را به سیستم نظارتی ترافیک هوایی غیرنظامی مجهز ساخت، و شرکت صنایع دفاعی متحد (تأمین‌کننده عمده مایحتاج ارتش‌های آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی) را در اختیار دارد. گروه کارلیل از طریق شرکت‌هایی که در کنترل دارد، در رده یازدهم شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی آمریکا قرار می‌گیرد.

بدون شک، اینترنت تأثیر عمیقی بر جهان گذاشته است. همانند اکثر بحث‌ها درباره فناوری، در این مورد نیز بحث بر سر آن است که این پیشرفت‌ها مثبت بوده است یا منفی. هواداران، با شوری آرمانشهری، جار می‌زنند که عصر جدیدی از مودراسی فرارسیده است که امکان ارتباطات نامتمرکز، به‌چالش کشیدن قدرت کنترل شرکت‌های بزرگ و مشارکت توده‌ای مردم در مهم‌ترین تصمیمات پیش روی بشر را مهیا کرده است.^(۱) شکاکان به شیوه‌هایی اشاره می‌کنند که اینترنت از طریق آنها، به جای دانش، جهل و اطلاعات نادرست را اشاعه داده، توان هنرمندان برای امرامعاش را تحلیل برده و انزوا، ناخشنودی و بیگانگی را تشدید کرده است.^(۲) با وجود اینکه این استدلال‌ها مزایا و معایب بالقوه اینترنت را روشن می‌کنند، مستعد آنند که زمینه کلان‌تر اقتصاد سیاسی را که اینترنت درون آن به وجود آمده است، نادیده بگیرند یا کنار بگذارند. در کتاب «قطع ارتباط دیجیتال؛ چگونه سرمایه‌داری از اینترنت علیه مودراسی استفاده می‌کند»^(۳) رابرت دبلیو. مک‌جسنی از پرداختن یک‌سویه به موضوع فراتر می‌رود و تحلیلی ظریف از توسعه اینترنت در متن سرمایه‌داری انحصاری ارائه می‌دهد. این تحلیل، علاوه بر محدودیت‌های این فناوری و در وضعیت کنونی‌اش، پتانسیل‌های عظیم آن را هم عیان می‌کند. مک‌جسنی بر تنش‌ها و تناقضات برآمده از جایگاه اینترنت در چارچوب نوعی اقتصاد سیاسی کلان‌تر تمرکز می‌کند. سرمایه‌داری توسعه فناوری را شکل می‌دهد و در همین حال، توسعه فناوری نیز بر مناسبات اجتماعی و کنش‌های متقابل درون جامعه تأثیر می‌گذارد. در حالی که اینترنت فرآیند انباشت سرمایه را با چالش‌هایی مواجه می‌کند، در کل تحت فرمان این فرآیند درمی‌آید. ظرفیت بالقوه اینترنت برای افزون به ثروت عمومی تا حد زیادی در جهت افزایش ثروت‌های خصوصی بوده است.^(۴) مک‌جسنی در تحلیل تاریخی خود روند تجاری‌سازی اینترنت، زوال کنونی روزنامه‌نگاری و تهدیداتی را که متوجه مودراسی است دنبال می‌کند. این روندها از سازوکارهای طولانی‌مدت سرمایه انحصاری تبعیت می‌کنند. با وجود این، مک‌جسنی مدعی است مقطع کنونی نقطه عطف بحران است، یعنی زمانی که شرایط برای تغییر انقلابی مهیاست، تغییری که ضرورتاً شامل دگرگونی نظام سیاسی-اقتصادی و اینترنت می‌شود. مک‌جسنی می‌نویسد اینترنت نقطه اوج «تحقیقاتی است که با ارائه و هدایت حکومت در طول دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی انجام می‌شد و اغلب، واحدهای نظامی و دانشگاه‌های تحقیقاتی برجسته اجراکننده آن بودند.» (ص ۹۹) فناوری نامتمرکز و دسترسی‌پذیر آرپانت^(۵) (۱۹۶۹) اصلی اینترنت، تا حد زیادی مخلوق محققان و دانشمندان بود که در حاشیه شرکت‌های بزرگ و نهادهای نظامی کار می‌کردند. بنا بر دیدگاه مک‌جسنی، به‌دلیل همین دسترس‌پذیری بود که آرپانت در ابتدا برای شرکت‌های بزرگ و انحصاری ارتباطات راه دور، مانند ای‌تی اند تی^(۶)، جذابیت ناچیزی داشت. آنها در آن زمان فکر می‌کردند چنین چیزی سودی در بر ندارد. (ص ۱۰۰) اواسط دهه ۱۹۹۰ بود که اینترنت از دایره خدمات عمومی، مانند آن‌اس‌اف‌نت^(۷)، خارج و به کالایی خصوصی تبدیل شد که در اختیار فرمان‌های ارزش مبادله‌ای و نیروهای بازار قرار داشت. این دگرگونی در برخی موارد اثری تعیین‌کننده داشت، از جمله اینکه چه کسانی می‌توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند، چه اطلاعاتی بیش از بقیه دسترس‌پذیرند و اینکه محتوای اینترنت چه چیزی باشد. از نظر مک‌جسنی، کنترل شرکت‌های بزرگ بر اینترنت نتیجه ۴ عامل اساسی است: نخست، سیاست‌گذارهای دهه ۱۹۹۰ که شرکت‌ها در آن چیرگی داشتند دوم، سیاست‌های ناروشن در خصوص مقررات اینترنت؛ سوم، فرهنگ سیاسی نئولیبرال در دهه ۹۰؛ چهارم، حباب مالی اینترنت در اواخر همان دهه که اینگونه القا کرد که اینترنت آماده خصوصی‌سازی بیشتر است. (ص ۱۰۴ تا ۱۰۸)

ادامه دارد